

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مظاہر العالی

«اجتماع امر و نہی»

شمارہ: ۲۹

عرضه داشتیم که محقق خوئی رحمته الله علیه فرمودند نهی در عباداتی که دارای بدل هستند بر سه قسم می‌باشد، بحث از قسم اول تمام شد و نتیجه گرفتند؛ اگر نهی در لا تصل فی الحمام مثلاً ارشاد به مانعیت باشد، خود اتیان به صلاة در حمام مانع از صحت آن می‌باشد و چنین نمازی فاسد است به دلیل اینکه مأتی به منطبق بر مأمور به نمی‌باشد، و دانستید که صحت منتزعه از انطباق مأتی به بر مأمور به است.

اما قسم دوم: نهی که تعلق گرفته به صلاة در حمام (لا تصل فی الحمام) نهی تحریمی باشد همانند نهی از وضوء یا غسل با آب غصبی یا نهی از صلاة در زمین غصبی (لا تصل فی المغصوب) این نواهی دلالت بر حرمت متعلق خارجی‌شان دارند و حاکی از مبعوضیت آن می‌باشند؛ یعنی شارع راضی به ایجاد و اتیان آن نمی‌باشد.

واضح است که امثال این نواهی منافات با اطلاق مأمور به دارند و موجب تقيید آن به غیر از فرد منهی عنه می‌شوند، دلیلش روشن است که مقتضای اطلاق مأمور به ترخیص مکلف در ایجاد آن فرد در ضمن هر فردی از افراد که بخواهد ایجاد نماید و مقتضای نهی هم عدم جواز اتیان و ایجاد این فرد منهی عنه در خارج، و عدم جواز تطبیق طبیعت مأمور بها بر این فرد است، بدیهی است که حرام مصداق واجب نمی‌تواند باشد بنابراین می‌بایست رفع از اطلاق مأمور به و تقيیدش به غیر از این فرد منهی عنه کرد؛ چون که شارع با نهی‌اش از آن راه امتثال مأمور به را بسته و سد کرده و مانع از ایجادش شده است، پس معقول نیست که اطلاق مأمور به بر حالش باقی بماند، چون لازمه‌ی بقاء اطلاق ترخیص شارع مکلف را در ایجاد آن فرد را در ضمن هر فردی که بخواهد. لازم به یادآوری است که بحث مورد نظر فرقی بین واجب تبعدی و توصیلی نیست چنان‌که نهی موجب تقيید اطلاق دلیل واجب تبعدی می‌شود، موجب تقيید اطلاق دلیل واجب توصیلی هم می‌شود به یک ملاک که عبارت می‌باشد از اینکه حرام مصداق واجب شود.

نتیجه این شد که نهی تحریمی موجب تقيید اطلاق به غیر از فرد منهی عنه می‌شود و بدون فرق بین واجب تبعدی و واجب توصیلی.

و اما قسم سوم: از نهی اراده شود تنزیهی بودن آن، و نهی تنزیهی ملازم با ترخیص در متعلقش می‌باشد، در این صورت موجب تقیید واجب به غیرش نمی‌شود اگر چه عبادی باشد تا چه رسد به اینکه غیر عبادی باشد.

هرگاه مولی نهی کند از صلاة در حمام (لا تصل فی الحمام) و نهی هم تنزیهی باشد و از طرف دیگر، نهی تنزیهی ملازم با ترخیص در اتیان متعلقش می‌باشد، پس معنایش جواز امتثال واجب به اتیان در حمام می‌باشد و صحیح هم خواهد بود، پس جمع بین امر به صلاة و بین نهی تنزیهی اقتضا می‌کند که تطبیق و اتیان به واجب بر این حصه در نظر شارع مرجوح است نسبت به تطبیق طبیعت مأمور به به سایر حصص و افراد، و آلا این فرد و حصه بما اینکه فرد طبیعت مأمور به و مصداق آن است دارای نقصان نیست، و لذا اگر مکلف متمکن از اتیان صلاة به غیر از این فرد نیست، لازم است که اتیان کند واجب را، پس این مطلب کاشف از این است که این فرد از طبیعت منهی عنها به نهی تنزیهی در وفای به غرض مولی با سایر افراد مشارکت دارد و موجب تقیید اطلاق مأمور به به غیر از این فرد نمی‌شود.

در خاتمه‌ی این بحث می‌فرمایند: روشن شد که دلیلی برای فرمایش عده‌ای از فقهاء که حمل کرده‌اند نهی در این قسم را بر ارشاد به اقلیت ثواب به اضافه با سایر حصص و افراد از طبیعت مأمور به، به دلیل اینکه تخصّص طبیعت مأمور به به این خصوصیتی که نهی تنزیهی موجب شده اگر مرجوح باشد در نظر شارع، پس نهی مولی است بدون چون و چرا و آلا موجب ارشاد این نمی‌شود که غیر از این فرد را اختیار نماید.

و از ما ذکرنا روشن می‌شود حال امر استحبابی که تعلق گرفته به حصه‌ی خاصه‌ای از طبیعت واجب، این امر استحبابی به این معناست که مستحب می‌باشد که تطبیق کنید واجب را بر این حصه، در نتیجه این بدست می‌آید که این فرد افضل افراد است البته مجاز می‌باشد که واجب را بر سایر افراد تطبیق کنید. پس موجب تقیید اطلاق مأمور به نمی‌شود.